گفت و گو با دکتر محمود سریع القلم درباره نشست اخیر «داووس»

بازار ـ دولت مفهوم جدید در مدیریت سیاسی جهان

گفت و گو: منصور بیطرف

روز گذشته بخش اول گفت و گوی «ایران» با دکتر محمود سریع القلم را خواندید. اینک بخش دوم و پایانی آن را می خوانید:

موضوع خلاقیت از چه منظر و در چه قالبی در اجلاس امسال داووس مورد بحث قرار گرفت؟

معمولاً نه تنها در داووس، بلکه در کنفرانسهای مهم بین المللی یک تم را انتخاب می کنند که مربوط به روندهای جهانی است و آن را مرکز ثقل مباحث و میزگردها قرار می دهند. امسال در داووس موضوع خلاقیت ضروری به عنوان تم کنفرانس مطرح شد. با ورود چین و هند و همینطور کشورهای کوچک در حال توسعه مانند کره جنوبی، مالزی، اندونزی، ترکیه، برزیل، مکزیک و... صحنه اقتصادی جهانی، کار اقتصادی سخت تر شده، رقابتها جدی تر شده و یکی از مباحث جالبی که مطرح شد، این بود که شرکتها و دولتها دیگر نمی توانند استراتژی های بیش از یک ساله داشته باشند و نگاه بلندمدت به استراتژی در این دنیای پررقابت بی معنی است و شرکتها و دولتها باید به فکر استراتژی های یک ساله باشند، در طول یک سال هم آن را تجدید نظر و بازبینی کنند. به همین دلیل نیاز به خلاقیت و نوآوری و نیاز به استفاده از فناوری است. برای اینکه دولتها بتوانند خود را در سطح جهانی حفظ کنند، بتوانند سهم بازار بگیرند، بتوانند به طور دائمی درآمد سرانه شان را افزایش بدهند، تولید ناخالص ملی را افزایش بدهند باید با دهها شرکت دیگر رقابت بکنند. پس مرکز ثقل نظری و موضوعی این کنفرانس این بود که روشهای تولید فکر چیست، روشهای خلاقیت چیست که این به عنوان یک ضرورت استراتژیک مطرح شده است. من باید در این خصوص چند نکته مرتبط را مطرح کنم: به عنوان نمونه فرض کنید مطرح شده بود که در سطح جهان، دستمزدها رو به کاهش است و فشاری که چین و هند بر روی سطح دستمزدها می آورند، بسیار جدی است، قدرت قیمت گذاری غرب کاهش پیدا می کند، همگرایی اقتصادی اروپا رو به کاهش است، کنترل منابع طبیعی جهان مهمترین موضوع استراتژیک جهان است، پایین آمدن ظرفیت سیاسی آمریکا در مدیریت جهان، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی، کم اهمیت شدن موضوع دموکراسی در سطح جهانی، فاصله گرفتن سیاسی و اقتصادی جوامع و دولت های آمریکای لاتین از کشور آمریکا و ... به قدری متغیرهای تحلیلی افزایش پیدا کرده و این ماتریس متغیرها به قدری پیچیده شده که اینکه یک شرکت خود را در کجای طیف تحولات جهانی قرار بدهد (چه شرکت های بزرگ و چه شرکت های متوسط) و اینکه دولت ها خود را در ماتریس رقابت و خلاقیت کجا قرار بدهند و چگونه دائماً روندها را مطالعه بکنند و پیش ببرند کار بسیار سختی شده و برای همین است که طی این چند روز کنفرانس به چند مرحله تقسیم و موضوع خلاقیت ضروری به این صورت سازماندهی شد که در روز اول روندها در دنیا به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ژئوپلتیک و ... مطالعه شد. در دو روز بعد یعنی روزهای دوم و سوم کنفرانس، روی این روندها مناقشه شد که آیا این روندها دقیق هستند، دیدگاه های مختلف روی این روندها چیست و شناخت آن روندها تبدیل شد به کارگاه های بحث و گفت وگو در رابطه با مسایل اقتصادی و روندهای منطقه ای ذهنیت های جدید موضوع اشتغال فضای جدید اقتصادی مسایل ژئوپلتیک جهان و ... روز چهارم این کارگاه ها به جمع بندی رسیدند و نتایج هر کدام از این مباحث در دو صفحه خلاصه شد که فوق العاده به لحاظ مفهومی، دقیق و منظم بود و در روزهای پنجم و ششم هم میزگردهای متعددی برای راهکارها طراحی شد که اگر شرکتی و دولتی می خواهد به طرف خلاقیت حرکت کند با توجه به این روندها و با توجه به مناقشه ای که در رابطه با دیدگاه های مختلف شده، راهکارها چیست البته این نکته را باید اضافه کنم که در داووس را استخراج کرد. جهان امروز، جهانی است که خیلی نکات در آن بیان نمی شود بلکه کشورها به طور پیچیده و غیرمستقیم به آن عمل می کنند بنابراین اجلاس داووس که مرکز ثقل نزدیک به ۷۰ رئیس دولت و بیش از ده هزار رئیس شرکت و حدود ۳۰۰ استاد دانشگاه و نویسنده و محقق است، به گونه ای است که در فضای فوق العاده پیچیده ای هم باید بهره برداری های خود برای شرکت، یا دولتشان و یا مؤسسه ای که دارند را انجام بدهند.

در زیرمجموعه خلاقیت که به عنوان تم کنفرانس انتخاب شد، مباحث مختلفی مطرح بود و در بررسی آن به موانع خلاقیت از جمله فساد و عدم همکاری بخش عمومی و خصوصی و ... اشاره شد. بحث فساد در حال حاضر بحث بسیار فراگیری چه در کشورهای در حال توسعه، چه در توسعه یافته ها و چه در کشور خودمان است. در میزگردهای امسال داووس، ارتباط بین فساد و خلاقیت چگونه ارزیابی شد؟

سه میزگرد در رابطه با فساد و رشد اقتصادی بود که من فرصت کردم در یکی از آنها شرکت کنم. بحث کلی این بود که کشورها و دولت ها در یک قرن گذشته راه های مختلفی را برای تقلیل سطح فساد و حتی از بین بردن فساد در پیش گرفتند. به نظر می رسید اجماعی وجود دارد که بهترین روش مبارزه با فساد این موارد هستند: یکی غیر دولتی کردن اقتصاد چون هر چقدر نقش دولت در اقتصاد کمتر باشد و افراد مسؤولیت تأمین معاش خود از طریق فضاهای خصوصی را داشته باشند، در جامعه سطح فساد کاهش پیدا می کند زیرا احتمالاً این مسأله مطرح بود که در هر جای دنیا که حضور دولت در اقتصاد را پررنگ ترمی بینیم، آنجا نرخ فساد هم بالاتر است. روش دیگر هم اینکه وظیفه دولت ها ایجاد فرصت برای شهروندان است

اگر از متون اقتصاد سیاسی و علوم سیاسی مطلع باشید، یک زمانی موضوع nation-state مطرح بود که به اصطلاح موضوع کشور دولت مطرح بود. در دوره ای state-nation یعنی دولت ملت مطرح شد. الان مفهومی که در رابطه با مدیریت سیاسی و اقتصادی در جهان مطرح است market-state یعنی بازار دولت نام دارد. به عبارت دیگر وظیفه دولت این است که بازار فکر و خلاقیت و تولید و ثروت را برای شهروندان ایجاد کند یعنی باید قانونگذاری بکند و نظارت بکند که آن بازار، بازار رقابت باشد و شهروندان در آن کار بکنند. اتفاقاً کشور نمونه ای که در رابطه با کشورهای در حال توسعه آن را مطرح می کنند، سنگاپور است. می گویند دولت سنگاپور طی نیم قرن گذشته موفق ترین دولت در ایجاد فرصت برای مردمش بوده، چه از نظر سیاست خارجی، چه از نظر سیاست داخلی، چه از نظر قانونگذاری و قاعده مندی به طوری که الان نقش دولت سنگاپور در تولید ناخالص ملی این کشور به حداقل رسیده است، در حالی که حتی کره جنوبی و مالزی هم هنوز در آن رده حرکت نکرده اند البته ترکیه هم بسیار موفق بوده است. الان ترک ها نزدیک به ۷۰ میلیارد دلار صادرات دارند و این نشان دهنده نقش بسیار مهم بخش خصوصی در آن کشور است یعنی عوض اینکه سیاستگذاری شود تا با خود موضوع فساد برخورد بشود، سیاستگذاری می شود که جامعه در چارچوبی عمل بکند که افراد تمایل به فساد اقتصادی نداشته باشند و به قدری فرصت ها در فضای اقتصادی و اجتماعی جامعه زیاد باشد که افراد خود به خود به طرف رقابت و کار و فعالیت چه در بازار داخلی و چه در بازار جهانی بروند و کار بکنند. به عبارت دیگر عوض اینکه سلبی باشد، به طرف سیاست های ایجابی و تشویقی حرکت می کنند و شهروند را در فضایی قرار می دهند که بتواند از پتانسیل های خودش برای رشد و ثروت یابی خودش بهره برداری بکند و در واقع موضوع فساد به شدت به حاشیه کشیده بشود. در کشورهای غربی، در این زمینه کشورهای اسکاندیناوی از همه موفق تر بوده اند یعنی شاخص فساد در سوئد و فنلاند و نروژ از همه پایین تر است و باز هم دلیلش این است که دولت خود را ناظر و سیاستگذار و قانونگذار می داند و فضا را فراهم کرده تا افراد بتوانند فعال باشند و از این طریق هزینه های دولت را کاهش دادند.

پس از اتمام جنگ، ایران در اجلاس حضور منظمی داشت اما امسال از مقامات دولتی ایران، هیچکس در این اجلاس شرکت نکرد، این عدم حضور به چه علت بود؟ و چه نتایجی در پی خواهد داشت؟

البته من از جزئیات این موضوع اطلاعی ندارم و صرفاً به عنوان یک معلم در دانشگاه که درباره مسائل جهانی تحقیق می کنم، درباره مسائل آینده چین و آینده سیاست خارجی آمریکا و مسائل ژئوپلتیک جهانی و جامعه مدنی در میزگردهای مختلف اجلاس داووس شرکت داشتم. میزگردی با موضوع ایران هم فقط یکی از موضوعات مختلفی بود که من در آن جا مشارکت علمی و نظری داشتم. اما تا آنجا که اطلاع دارم، جمع بندی برگزارکنندگان کنفرانس این بود که دولت جدید ایران در حال شکل گیری است و ایران در شرایط حساس سیاسی با غرب قرارداد و تنش های زیادی بین ایران و اروپا و آمریکا وجود دارد و شاید نگاه آنها این بوده که در شرایط فعلی خوب است که این تنش ها در سازمان ملل و سازمان بین المللی انرژی اتمی و در مذاکراتی که ایران با روسیه، چین و سه کشور اروپایی دارد، حل و فصل شود و موضوع هسته ای ایران با غرب در فضای داووس که فضایی برای تعامل و گفت وگو و یادگیری و غیرسیاسی است، مطرح نشود تا آنجا هم که من هم اطلاع دارم همیشه از طرف ایران وزیر امورخارجه، رئیس کل بانک مرکزی، برخی از معاونین وزارتخانه های اقتصادی و صنعتی و... یا در یک مقطع هم آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهوری در داووس شرکت داشتند. ظاهراً اولین سالی است که طی ۱۵ سال گذشته هیچ مقام دولتی و رسمی از طرف ایران در داووس شرکت نکرد. داووس مکانی است که به استثنای کسانی که کار مطالعاتی و تحقیقاتی می کنند، بقیه همه تصمیم گیرندگان اقتصادی و سیاسی جهانی هستند یعنی تنها فرصتی در سطح جهانی است که معمولاً در ماه ژانویه، ابتدای سال میلادی هر سال، همه یکدیگر را ببینند و تعامل داشته باشند و از اهداف و برنامه ها و سیاستگذاری و اندیشه های همدیگر مطلع بشوند و اثر بگذارند مثلاً نخست وزیر ترکیه در داووس سخنرانی بسیار جالبی در رابطه با سیاست های خارجی و اقتصادی ترکیه داشت و همه را دعوت به همکاری کرد و جهت گیری کشور ترکیه را مطرح کرد و در کنار آن هم با رؤسای ده ها شرکت بزرگ و همین طور رؤسای دولت ها مذاکره کرد. شاید برجسته ترین و مهمترین سخنرانی ای که در داووس توسط رئیس یک دولت انجام گرفت، توسط خانم مرکل صدراعظم آلمان بود که ایشان طی یک ساعت، نقد بسیار جدی به طیفی از مسائل شود آلمان را مطرح کرد که در آلمان چه مشکلاتی به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و به لحاظ سیاست های خارجی که در سطح اروپا، چه در سطح جهانی دارند و دولت جدید ایشان چه برنامه هایی برای حل این مشکلات آلمان مطرح کرده است خیلی باز و شفاف و با آمار و ارقام، ایشان مسائل آلمان را مطرح کرد و حل این مشکلات را به نفع اتحادیه اروپا و غرب و حتی کشورهای در حال توسعه شرق اروپا مثل روسیه و چین مطرح کرد. بنابراین حتی رئیس دولت کشوری مهم مثل آلمان در آنجا مسائل خود را مطرح و بادیگران گفت وگو می کنند که چطور می توانند هماهنگی و همکاری کنند و امور را پیش ببرند طبیعی است در این فضای بسیار مهم گفت وگو و هماهنگی، فقدان حضور ایران حتی برای مسائل سیاسی و هسته ای و منطقه ای به ضرر کشور است البته کشور ما اگر به طرف پیشرفت حرکت بکند، باید هم در داخل و هم در فضای منطقه ای و بین المللی به طرف سیاست های آرام و تعاملی حرکت بکند و تا زمانی که ما به این تعامل نرسیده ایم، شاید برای ما بسیار مشکل باشد. در مجموع داووس فرصتی است برای اثرگذاری و همینطور اثرپذیری های بسیار مثبت. وقتی که ۴۰ درصد از رؤسای شرکت های بزرگ و متوسط مطرح می کنند که موضوع اصلی ما این است که چگونه از فناوری بهره برداری بکنیم و جزئیاتی را مطرح می کنند، این می تواند بر صنعت ما، بر مراکز تحقیقاتی ما، بر تصمیم گیری های دولتی ما، بر بودجه نویسی ما، بر سیاستگذاری ما و قانونگذاری ما در مجلس فوق العاده مؤثر باشد. این است که ما از نهادهای اقتصادی دولتی، از بخش خصوصی، از بانک مرکزی، افرادی را نداریم که این روندهای جهانی را بررسی کنند، مطالعه کنند و آنجا بادقتی در تعامل باشند و باید بگیرند و اثر بگذارند. به طور طبیعی این به ضرر است. البته این نکته را باید اضافه بکنم تا آنجا که من اطلاع دارم ما کم نداریم افرادی در دستگاه مدیریتی کشورمان که تعامل با جهان را غیرمفید می دانند.

خاطرم هست که حدود یک سال پیش برای ارائه بحثی پیرامون سیاست خارجی و روندهای جهانی برای مدیران یک وزارتخانه اقتصادی صحبت می کردم، چند نفر از مدیران مطرح کردند که تعامل با جهان مساوی با فساد است و ما به اندازه ای که با دنیا ارتباط برقرار می کنیم، دینمان را از دست می دهیم. اگر این نگاه وجود داشته باشد، هر چند خیلی گسترده نیست، ولی این نوع تفکر و نگاه به جهان، طبیعی است که پیامدهای خاص خودش را دارد. اگر چینی ها تصور می کردند که با تعامل با جهان هویتشان را از دست می دهند و ارزش های ویژه خود را از دست می دهند و یا استقلال سیاسی شان را از دست می دهند، طبعاً وارد این مسیر نمی شدند. در حال حاضر چینی ها با دنیا تعامل دارند. نسل دوم انقلاب چین مدیریت کشور را به دست گرفته و ۴۵ میلیارد دلار مازاد تجاری با آمریکا دارند. کشور چین کشوری است که ۲۵ سال پیش صادرات ۲۰ میلیارد دلار بود و حالا آخرین آماری که از صادرات چین در سال ۲۰۰۵ داریم، ۸۵۱ میلیارد دلار است امروز اقتصاد چین، یک سوم اقتصاد ژاپن و یک هفتم اقتصاد آمریکا شده و به هر حال، رشد، ریسک هم دارد و تعامل با جهان هم یک اصل تثبیت شده برای رشد است و فقدان حضور ما در محافل بین المللی و داووس و این که نگاه ما به جهان یک نگاه سیاسی است و نه نگاه اقتصادی به نفع کشور نیست.

این، سی وششمین اجلاس داووس بود، اجلاسی که امروز به جمع تأثیرگذار بزرگی تبدیل شده، دستاوردهای قابل توجهی داشته، احساس من این است بخش عمده ای از تعامل اقتصادی جهانی، نتیجه برگزاری اجلاس داووس است که رهبران جهان، صاحبان سرمایه و مدیران و صاحبنظران و اساتید را در یک جا گرد هم می آورد و حتی از اجلاس WTO برتر است. آیا می توان گفت این تشکل غیردولتی، به طور مستقیم، سیاستگذاری اقتصادی جهانی را هدایت می کند؟

داووس یک فضا و مکانی است که همه را دور هم جمع می کند از پائولوکوئیلو، نویسنده برزیلی تا بیل گیتس تا استراتژیست های آلمانی و روسی و آمریکایی و چینی و... برای این که همه از هم بیاموزند. در واقع خود این اجلاس به دنبال سیاستگذاری نیست بلکه فضایی را برای سیاستگذاری فراهم می کند، هر دولتی، هر کشوری، هر مؤسسه ای بهره برداری خودش را می کند یعنی اگر دولتی مثل ترکیه با یک هیأت ۳۰ نفره در داووس حاضر می شود یا چینی ها که حضور بسیار فعال داشتند، با هیأت ۸۰ نفره مشارکت می کنند، اینها به دنبال این هستند که ببینند دیگران چه می کنند از این میزگردها و گفت وگوها بیاموزند. آنچه که مسلم است و به صحبت شما نزدیک است این است که در راهروهای داووس، افراد تصمیم گیری های مهمی می کنند به واسطه اینکه در معرض اطلاعات بسیار زیادی قرار گرفته اند و به واسطه اینکه آموختند تا اندازه ای که دیگران چه فکری می کنند و در چه مسیری می خواهند حرکت کنند. البته فضا فضای شفافی نیست. فضای فوق العاده پیچیده ای است و آنالیزکردن وفهم نیات و جهت گیری های دیگران، شاید مهمترین هنر مشارکت کنندگان در این اجلاس باشد. بنابراین سمینار داووس فضایی است برای تصمیم گیری خود شرکت ها که بعد از اینکه این همه مطالب را از اینجا می آموزند و در معرض قرار می گیرند، بعد بر می گردند و برای خود طراحی های خاص خودشان را می کنند.

لطفاً از سخنرانان داووس بگویید. چون این سخنرانان نقش کلیدی در هدایت اجلاس و تأثیرگذاری بالایی دارند. در اجلاس امسال داووس سخنرانی های برجسته حول چه محورهایی بود؟

از نظر سیاستمداران و رؤسای دولت ها به نظر من سخنرانی خانم مرکل برجسته تر بود. وقتی ایشان سخنرانی می کردند، کل حاضرین در داووس به ایشان گوش می کرد و در یک آمفی تئاتر بزرگ که نزدیک به ۲۵۰۰ نفر را در خود جای می دهد، شاید حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر هم ایستاده بودند. به نظر من ایشان مهمترین رهبر غربی بود که امسال آنجا صحبت کرد و سال گذشته هم شیراک سخنرانی کرد.

۳ سال پیش، دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا مهمترین سخنرانی را ارائه داد امسال به نظرم از نظر سیاسی و در میان رؤسای دولت، سخنرانی خانم مرکل از همه تعیین کننده تر بود. به هر حال با توجه به جایگاه اقتصادی آلمان در اروپا و در جهان و این تغییر دولتی که در آلمان صورت گرفته و امیدی که همه پیدا کردند که اگر اقتصاد آلمان از نرخ رشد اقتصادی بیشتری برخوردار باشد، این خود به خود اثرات مهمی بر اقتصاد اروپا خواهد گذاشت. نگاه آلمان به روسیه و آمریکا، نگاه آلمان به آینده اقتصادی اروپا و ... از همه مهمتر بود به نظرم پس از سخنرانی خانم مرکل، مهمترین سخنران بعدی معاون نخست وزیر چین بود که ایشان هم سخنرانی بسیار پیچیده ای کرد و سعی کرد نگرانی آمریکا را نسبت به چین تقلیل بدهد. کشور چین بدون سر و صدا به دنبال این است که قدرت نظامی خود را افزایش بدهد و حداقل در ده سال آینده به یک قدرت مسلم آسیایی تبدیل خواهد شد که هم اکنون تنش هایی هم با ژاپن شروع شده و با قدرت قابل توجه دیپلماسی و نرم افزاری و با استفاده از روش های بسیار پیچیده روانشناسانه افزایش قدرت خودشان را به نوعی نمایش می دهند که دیگران دچار نگرانی نشوند چون معمولاً هر کشوری که قدرتش افزایش پیدا کند، همسایگان و رقبایش نگران می شوند. اکثر کارهایی که الآن چینی ها انجام می دهند را بازگو نمی کنند یعنی چین شناسی امروز یکی از موضوعات بسیار سخت آکادمیک دنیا شده چون رهبران چین بسیار کم سخنرانی می کنند، کم سخن می گویند و معمولاً با خنده و با الفاظ ملایم و لطیف و با روش های نرم افزاری جلو می روند و ثروت چین به سرعت دارد افزایش پیدا می کند. در ۲۰ سال گذشته ۱۵۰ میلیون نفر از روستاهای چین به شرق چین و مراکز صنعتی چین منتقل شده اند که الآن ثروت عجیبی را ایجاد کرده اند.

از سال ۱۹۹۸ میلادی یعنی طی هفت سال گذشته ۳۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در چین شده و این افزایش پرشتاب قدرت و ثروت چین ایجاب می کند که سیاستمداران آن بسیار پیچیده و کم صحبت باشند و دیپلماسی قوی جهانی داشته باشند. الآن چینی ها مسائلشان با را کانادا و استرالیا و هندی ها را حل کرده اند، روابط خوبی با روسیه دارند، با کشورهای مهم اوپک روابط بسیار نزدیکی برقرار کرده اند و دائماً دارند تلاش می کنند تنشهای خود با ژاپن و آمریکا را کم کنند چون چین به دنبال یک هدف بیشتر نیست: افزایش قدرت و ثروت.

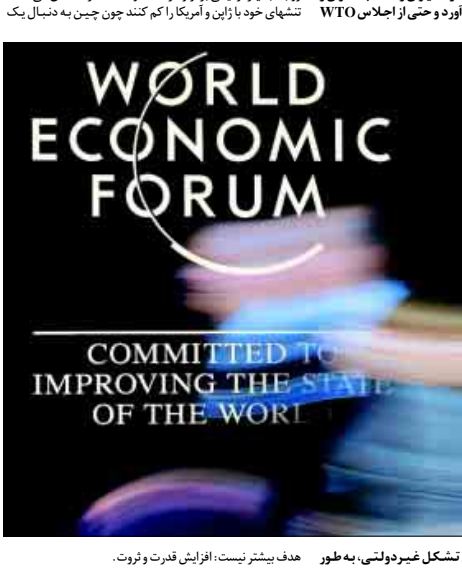

بنابر این دیپلماسی، سخنرانی ها و عملکرد مقامات چین در داووس بسیار قابل مشاهده و فعال بود. من در اجلاس امسال آلمانها امسال اتفاق افتاد این بود؛ چون آمریکا بشدت در جهان به لحاظ سیاستهایی که پیش گرفته، چه اقتصادی و چه سیاسی، مورد حمله است، سناتورهای زیادی از سنای آمریکا از قوه مقننه آمریکا آمده بودند که سعی کنند چهره آمریکا را قدری اصلاح کنند چون اروپایی ها، چینی ها، روس ها و بعضاً دولتمردان عرب مطرح می کردند که آمریکا باید حداکثر گرایی خودش را کنار بگذارد. نه تنها دنیا، دنیای متنوعی است بلکه علاقه مند نیست که یک بر قدرت داشته باشد. همه دنبال تنوع و چند جانبه گرایی هستند. من در رده بعدی، فعالیت سناتورهای آمریکایی برای اصلاح و تغییر چهره آمریکا در نظر رجال و سیاستمداران دنیا و شرکت های بزرگ دنیا را خیلی مشهود دیدم البته فضای بحث و گفت وگوی روشنفکری هم در داووس امسال قوی بود و روشنفکران جهان از تقلیل اهمیت آزادی های مدنی و بی توجهی دولت ها به دموکراسی خیلی صحبت کردند. امسال استادی که از دانشگاه هاروارد آکسفورد، سخنرانی می کردند نگرانی های خود در این رابطه را مطرح می کردند و به نظرم می آید که فعالین حقوق بشر و دانشگاهیان، یکی از نکاتی که خیلی بر آن تأکید داشتند این بود که شرکتهای بزرگ که در دنیا ثروت تولید می کنند مسؤولیت اجتماعی هم دارند و این طور نیست که شرکتی فقط به دنبال تولید و افزایش درآمد خودش باشد، به همان تناسب هم باید مسؤولیت های اجتماعی داشته باشد که در این رابطه بیل گیتس خیلی صحبت کرد. الآن هزینه ای که مایکرو سافت در آفریقا می کند، از دولت آمریکا بیشتر است و برای مبارزه با بیماریها و کمک های اقتصادی که به جوامع آفریقایی می کنند، نقش شرکت ها بسیار جدی شده است. زمانی در دوره جنگ سرد و رقابتی که بین آمریکا و شوروی بود، به دلایل امنیتی و سیاسی، دول بزرگ کمک های اقتصادی، اجتماعی می کردند، سد می ساختند، آموزش ویژه در دانشگاه ها انجام می دادند ولی بعد از جنگ سرد، دولت ها به شدت این را کم کردند. در دوره جنگ سرد دولت آمریکا در آفریقا سالانه ۷۰ میلیارد دلار هزینه می کرد که این الآن تبدیل به ۳۰۰ میلیون دلار شده در حالیکه مجموع هزینه ای که شرکت ها و مؤسسات در آفریقا برای رشد و توسعه و مبارزه با بیماریها و ... می کنند، چندین میلیارد دلار بیش از دولت آمریکا است. بنابراین فضا، فضای توجه به مسؤولیت های اجتماعی شرکت های بزرگ بود و در واقع نگاه این بود که سرمایه داری مسؤولیت های مدنی دارد و شاید مهمترین پیغامی که مجموعه روشنفکران در داووس امسال به شرکت های بزرگ دارند، این بود که شما برای بسط جامعه مدنی و برای کم کردن شکاف طبقاتی در غرب و در غیر غرب، تلاش کنید و بخشی از سیاستهای خود را در این مسیر هدایت کنید.

کسری تراز تجاری آمریکا به بالاترین حد رسید

ایرنا: دولت آمریکا اعلام کرد، کسری تراز تجاری این کشور در سال ۲۰۰۵ با نزدیک به ۱۸ درصد افزایش به بالاترین حد خود رسید.

روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» در گزارشی نوشت: برای چهارمین سال متوالی، میزان درخواست مصرف کنندگان برای کالاهای خارجی افزایش و میزان صادرات آمریکا کاهش یافته است.

کسری تراز تجاری آمریکا در سال ۲۰۰۵ میلادی به ۷۲۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید که این رقم در مقایسه با سال ۲۰۰۱ تقریباً دو برابر شده است.

وزارت بازرگانی آمریکا گفته است که در سال ۱۹۷۵ میلادی، آمریکا ۱۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار تراز بازرگانی مثبت داشت.

براساس این گزارش، اقتصاد آمریکا با وجود افزایش بهای انرژی و بازار صادرات آن، همچنان رو به رشد است و اقتصاددانان پیش بینی می کنند در سال جاری وضعیت درآمد این کشور تنها شاهد اندکی بهبود و شاید هم اندکی وخامت داشته باشد.

«دین ماکی» رئیس اقتصاد دانان آمریکا می گوید: برای کاهش اختلاف موجود میان واردات و صادرات بایستی درخواست های داخلی برای کالاهای وارداتی را کاهش دهیم.

بنابر این گزارش، کارشناسان معتقدند چنین کاهشی شدیداً برای کارگران و شرکت ها درآور خواهد بود.

در حال حاضر واردات آمریکا تقریباً یک و نیم برابر بیشتر از میزان صادرات این کشور است و برای جبران این اختلاف، میزان فروش کالاهای آمریکایی در خارج از این کشور باید شدیداً افزایش یابد.

این بدان معنی است که آمریکا در سال های آینده باید به میلیاردها دلار پول خارجی که از بانک های آسیای مرکزی برای فاینانس کردن بازار آمریکا وارد می شود، وابسته باشد.

چین و ژاپن بزرگترین خریداران محصولات آمریکایی هستند و بسیاری از اقتصاددانان معتقدند این شرایط در بلندمدت قابل تحمل نخواهد بود. آمریکا در نهایت شاهد یک تصحیح شدید خواهد بود که باعث کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان، افزایش هزینه وام ها و در نتیجه تضعیف دلار خواهد شد.

«جیمز اوسولیوان» از اقتصاددانان آمریکایی نیز معتقد است با گذشت زمان جذب سرمایه های خارجی دشوارتر خواهد شد که این مسأله به معنی کاهش ارزش دلار است.

نیویورک تایمز در همین ارتباط نوشت: ارزش دلار در سال ۲۰۰۵ در مقابل یورو، ین ژاپن و پوند انگلیس افزایش یافت و باعث گران تر شدن محصولات آمریکایی در برابر محصولات دیگر کشورها شد.

بنابراین گزارش، افزایش قیمت نفت یکی از دلایل افزایش کسری تراز تجاری آمریکا است به گونه ای که ۲۹ درصد کل کسری تجاری آمریکا ناشی از خرید نفت و فرآورده های نفتی بود.

بدون در نظر گرفتن نفت و دیگر محصولات نفتی، کسری تجارت آمریکا تنها ۱۰ درصد افزایش می یافت.

در سال ۲۰۱۰ خرده فروشی چین از ۱/۵ میلیارد دلار فراترمی رود

«هوانگ های» دستیارویژه بازرگانی چین پیش بینی کرد میزان کل خرده فروشی مصرفی چین تا سال ۲۰۱۰ میلادی از ۱۰ هزار میلیارد «یوان» معادل حدود یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار فراتر خواهد رفت.

هر یک دلار معادل حدود هشت «یوان» است.

به گزارش رادیو بین المللی چین، این مقام مسؤول میزان خرده فروشی مواد مصرفی در چین در سال ۲۰۰۵ میلادی را شش هزار و ۷۰۰ میلیارد «یوان» ذکر کرد که در مقایسه با سال ۲۰۰۴ میلادی ۱۲/۹ درصد افزایش داشت. با توجه به رشد اقتصادی سریع چین، شرکت های بزرگ خرده فروشی جهان بازار خرده فروشی چین را به اشغال خود در آورده اند.

آمار نشان می دهد که ۷۰ درصد از ۵۰ شرکت بزرگ خرده فروشی جهان شعب و فروشگاه های زنجیره ای در چین دایر کرده اند. این مسأله باعث شده است رقابت میان شرکت های خرده فروشی چین و خارجی در برخی از شهرهای این کشور تشدید شود.

چین به منظور تقویت بخش خرده فروشی این کشور، محدودیت های موجود برای سرمایه گذاری در این عرصه اقتصادی را کاهش داده است.

بخش اعظم سرمایه های خارجی در بخش خرده فروشی در مناطق توسعه یافته شرقی چین انجام شده است. با این حال پیش بینی می شود که مناطق غربی توسعه نیافته این کشور به تدریج سرمایه های بیشتری را جذب صنعت خرده فروشی ودیگر قلمروهای تجاری کشنا تا چین به برنامه پیش بینی شده در میزان خرده فروشی مصرفی در سال ۲۰۱۰ میلادی دست یابد.

آلمان و فرانسه به کنسرسیوم گازی روسیه و اوکراین می پیوندند

فارس: رئیس شرکت نفت و گاز اوکراین اعلام کرد: آلمان وفرانسه به کنسرسیوم بین المللی انتقال گاز روسیه به اوکراین خواهندپیوست. خبرگزاری ریانووستی به نقل از «آلکسی ایوچنکو» افزود: مذاکرات مربوط به پیوستن آلمان و فرانسه به این کنسرسیوم مشترک گازی در مراحل مقدماتی خود قرار دارد و مقامهای روسی نیز تاکنون هیچگونه مخالفتی با این مسأله نداشته اند.

قرارداد تشکیل کنسرسیوم بین المللی برای انتقال گاز روسیه به اوکراین، اکتبر ۲۰۰۲ میلاد به امضای نخست وزیران دو کشور رسیده است.

شرکت گاز پروم روسیه و شرکت نفت و گاز اوکراین به عنوان نمایندگان این دو کشور در کنسرسیوم بین المللی حضور خواهندداشت. براساس این پروژه، روسیه از این پس قادر خواهدبود سالیانه بیش از ۱۹ میلیارد مترمکعب گازطبیعی از طریق اوکراین به اروپا صادر کند. عملیات اجرایی این پروژه قرار است طی شش ماه نخست سال جاری میلادی آغازشود.